



سرمقاله و مقاله مدیر مسئول: بررسی فقهی احتکار

پدیدآورنده (ها) : قلی پور، حسن

حقوق :: نشریه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی :: زمستان ۱۳۸۶ - شماره ۱۰ (ISC)

صفحات : از ۷ تا ۲۰

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/380407>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۱/۲۲

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- بررسی وضعیت برنامه ریزی درسی در سیستم آموزش و پرورش ابتدایی ایران
- ارزیابی عملکرد و سنجش میزان رضایتمندی از سیستم اتوبوس رانی تندرو (BRT) در کلان شهر اصفهان
- تحلیلی بر مبنای حقوقی منابع درآمدی شهرداری‌ها با تأکید بر عوارض
- بررسی ادله مشروعیت خرید و فروش اعضای بدن در فقه شیعه
- کارکردهای تربیتی خودکنترلی و نقش آن در سلامت روان از دیدگاه قرآن و روایات
- بررسی و تحلیل جایگاه مخاطب در عصر سامانی با تأکید بر اشعار رودکی و مقایسه آن با ادوار شعر فارسی
- وضعیت شرط ضمان سرمایه در حقوق اسلام
- حساب های قرض الحسنه اختصاصی راهکاری بهینه برای هدایت و مدیریت منابع قرض الحسنه در نظام بانکداری اسلامی
- بررسی زمینه و منشأ اندرزهای شاهنامه
- راهبردهای تربیتی از دیدگاه قرآن
- گروه حرف تعریف در زبان فارسی
- آثار حقوقی مترتب بر زمان انعقاد قرارداد در فروشگاه های بزرگ

عناوین مشابه

- سرمقاله و مقاله مدیر مسئول: بررسی فقهی احتکار
- سرمقاله و مقاله مدیر مسئول: معاملات و انواع بیع مبحث معاطات
- سرمقاله و مقاله مدیر مسئول: تفقه در معاملات
- اعتدال فقهی و تصمیم اجرایی هفتمین مدیر مسئول اجرایی
- بررسی فقهی و حقوقی احتکار در تجارت الکترونیک
- پیام مدیر مسئول: نقش ارزنده دانش حسابداری در فرایند توسعه ی اقتصادی اجتماعی و سیاسی (سرمقاله)
- نامه ها و نقدها - نقدی بر مقاله «بررسی فقهی حکم عده زنان بدون رحم»
- نقدی بر مقاله «بررسی فقهی و حقوقی ضمانت اجرای تخلف از شرط ترک فعل حقوقی»
- بررسی استنادی مقاله های تألیفی مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز در فاصله زمانی ۱۳۸۵ - ۱۳۸۰
- سرمقاله : نقد و بررسی برخی تبصره های مربوط به بخش نفت در قانون بودجه ۱۳۸۲



سرمقاله و مقاله
مدیر مسئول

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ گذشته ما سرشار از آثار شگفت‌انگیز علمی و فرهنگی است که متأسفانه برخی از آنها در جریان جنگ‌ها نابود گشته و برخی دیگر بوسیله فرصت طلبان و سودپرستان داخلی و خارجی به غارت رفته است و یا آنها را ربوده و از بین برده‌اند، و فقط بخش اندکی از آنها توسط علاقه‌مندان به علم و دانش و فرهنگ تمدن ایران زمین نگهداری شده و از حوادث روزگار محفوظ مانده است. شب‌بختانه نسل امروز که آینده ساز کشور می‌باشد بر خوردار از نوآوری‌های شگفت‌انگیزی است که هر روز شاهد بروز آن بدست جوانان علاقه‌مند به علم و دانش می‌باشم.

فصلنامه تخصصی فقه و مبانی حقوق که بدست اندیشمندان و فضلاء این واحد اداره می‌شود با مقالات ارزشمند خویش هر فصل یاری‌گر ما در این مسیر می‌باشند، ضمن تقدیر و تشکر از این عزیزان از کلیه صاحب نظران در سطح حوزه و دانشگاه درخواست می‌شود با ارسال مقالات خود ما را در هر چه پر بار تر شدن محتوای علمی این فصلنامه یاری‌نمایند.

ضمناً مسئولین این فصلنامه پذیرای نظرات و رهنمودهای ارزنده و مؤثر شما خواهند بود، توفیق همه شما عزیزان را در خدمت به علم و دانش از خداوند متعال مستلث دارد.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

حسن قلی پور

مدیرمسئول فصلنامه فقه و مبانی حقوق و رئیس دانشگاه آزاد اسلامی بابل

بررسی فقهی احتکار

حجت الاسلام والمسلمین حسن قلی پور *

چکیده:

در مقاله قبلی معنا و مفهوم احتکار، شرایط تحقق آن مورد بررسی قرار گرفت اما در این مقاله پیرامون یکی دیگر از موضوعات مهم در احتکار، یعنی اجبار محتکر برای فروش کالا و قیمت گذاری آن بحث و بررسی به عمل می‌آید. سؤال این است که آیا حکومت اسلامی می‌تواند شخص محتکر را مجبور به فروش کالای احتکار شده نماید، یا فقط وظیفه او نهی مردم از احتکار است؟ آیا علاوه بر اجبار به فروش، می‌تواند بر آن قیمت گذاری نماید؟ نکته مهم دیگر وظیفه مردم در برابر پدیده احتکار در جامعه و نقش آنان در مبارزه با آن است. در صورتی که به هر دلیلی نتوان احتکار را از بین برد، مردم چه وظیفه‌ای دارند؟ پاسخ به سؤالات فوق با استفاده از ادله فقهی و نظرات فقهاء اسلامی هدف اصلی نگارش این مقاله است.

کلید واژه‌ها: حرمت احتکار، محتکر، اجحاف، کارگزار، قیمت گذاری.

* عضو هیأت علمی و رئیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل

gholipour@baboliau.ac.ir

مقدمه:

در مقاله قبلی در مورد بررسی فقهی احتکار از نظر فقهای شیعه و سنی و از نظر قرآن و احادیث مورد تحلیل قرار گرفت، دنباله بحث را باستحضار علاقه‌مندان و طالبان علم و دانش می‌رساند. همان‌طوریکه در مبحث قبلی اشاره شد احتکار یکی از موضوعاتی است که توسط خداوند متعال و پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) و علمای شیعه و سنی مورد انتقاد قرار گرفته و بشدت با آن مبارزه کرده‌اند، بخاطر این که احتکار وقتی در جامعه رونق پیدا کند، اقتصاد کشور را فلج و باعث از بین رفتن تعادل اقتصادی کشور می‌شود. همان‌طوری که خداوند در آیه ۳۴ و ۳۵ سوره توبه می‌فرماید:

وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ. يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارٍ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَ جُنُوبُهُمْ وَ ظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنْتُمْ لِنَفْسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ. و آنها را که طلا و نقره را گنجینه (و ذخیره و پنهان) می‌سازند و در راه خدا انفاق نمی‌کنند به مجازات دردناک بشارت ده. در آن روز که آنها را داغ می‌کنند (و به آنها می‌گویند) که این همان چیزی است که برای خود گنجینه ساختید پس بچشید چیزی را که برای خود اندوختید! آیه فوق صریحاً ثروت‌اندوزی و گنجینه‌سازی (احتکار) اموال را تحریم کرده است، و به مسلمانان دستور می‌دهد که اموال خویش را در راه خدا و در راه بندگان خدا به کار اندازند و از انداختن و ذخیره کردن و خارج ساختن آنها از گردش معاملات به شدت بپرهیزند، در غیر این صورت باید منتظر عذاب دردناکی باشند.

اجبار محتکر برای فروش کالا و قیمت گذاری آن

اگر قرار باشد عده‌ای فرصت طلب و سودجو مواد غذایی مردم را که مورد نیاز آنان می‌باشد احتکار نمایند، در اینجا یک سؤال پیش می‌آید که آیا افراد ثروتمند، با سرمایه و امکانات خود در یک جامعه می‌توانند به هر نحوی سود بیشتر کسب کنند؟ یعنی برای منافع خود اجناسی مانند ارزاق و مواد غذایی عمومی مردم را در یک برهه از زمان با قیمت چیزی خریداری و انبار کنند تا این که در زمان مناسبی همان را به قیمت‌گران بفروشند و از این راه با کمترین زحمت سود

سرشاری را به جیب بزنند؟

آیا حکومت‌ها، مخصوصاً حکومت اسلامی می‌تواند وارد عمل شود و محتکر را مجبور به فروش کالای انبار شده نماید؟ علاوه بر اجبار به فروش، می‌تواند بر آن قیمت‌گذاری کند؟ یا خیر؟ و نحوه قیمت‌گذاری او باید چگونه باشد؟

در پاسخ به این سؤالات دیدگاه‌های مختلفی مطرح است که به برخی از آنها اشاره می‌شود. امیرالمؤمنین (ع) به کارگزاران خود سفارش می‌کند که مراقب افراد فرصت طلب و محتکر باشند، که مبادا این افراد به راحتی گران فروشی کنند و این کار عیب بزرگی برای حکومت اسلامی می‌باشد. به نمونه‌ای از آن که در نهج‌البلاغه آمده است اشاره می‌کنم، حضرت علی(ع) به مالک اشتر می‌نویسد:

اعلم مع ذالک ان فی کثیر منهم... و احتکاراً للمنافع تحکماً فی البیاعات و ذالک باب مضره للعامه، و عیب علی الولاء، فامنع من الاحتکار، فان رسول الله صلی الله علیه و آله منع منه ولیکن یبعاً سمعاً بموازين عدل، و اسعار لا تجحف بالفریقین من البایع و المبتاع فمن قارف حکره بعد نهیک اباه فنکل به، عاقبه فی غیر اسراف. (امام علی(ع)، ج ۳، ۱۰۰)؛ یعنی این را هم بدان که در میان بازرگانان، تعداد زیادی از آنها برای منافع خود احتکار می‌کنند و با زورگویی به سود خود می‌اندیشند و کالا را به هر قیمتی که می‌خواهند می‌فروشند که این سودجویی و گران فروشی برای همه افراد جامعه زیان‌بار و عیب بزرگی برای زمامداران است. پس از احتکار کالا جلوگیری کن که رسول خدا(ص) از آن جلوگیری می‌کرد، باید خرید و فروش در جامعه اسلامی به سادگی و با موازین عدالت انجام گیرد با نرخهایی که به فروشنده و خریدار زبانی نرساند، کسی که پس از منع تو احتکار کند او را کیفر ده تا عبرت دیگران شود، اما در کیفر آنان اسراف نکن.

از این حدیث می‌توان دریافت که اولاً: در میان بازرگانان هر جامعه تعدادی هستند که فقط به فکر منافع موهوم شخصی خودشان هستند و برای رسیدن به آن، یکی از کارهایی که انجام می‌دهند احتکار است.

ثانیاً: حضرت احتکار محتکرین را برای حکومتی که ادعای اسلامی بودن می‌کنند، عیب

بزرگی می‌شمارد.



ثالثاً: آن را به ضرر جامعه و مردم می‌داند و محتکر را باید نهی از منکر نمود و اگر قبول نکرد، مجازات مناسب برای او در نظر گرفت.

رباعاً: قیمت‌ها باید طوری باشد که نه فروشنده ضرر کند، چراکه در این صورت، باعث رکود اقتصادی جامعه و بیکاری می‌گردد، و نه خریدار ضرر نماید، برای اینکه موجب بی‌عدالتی و تبعیض در جامعه می‌شود. و در کتاب کافی نیز روایتی (از پیامبر(ص)) نقل شده که وقتی حضرت فهمید شخصی ارزاق مردم را احتکار می‌کند تا به قیمت بالاتری بفروشد، به او فرمود، (فأخرجه و بعه کیف شئت و لاتحبسه) یعنی آن اجناس را از انبار خارج کن و هر طور که می‌خواهی بفروش، طبق این روایت حضرت احتکار را بسیار منموم و محتکر را مجبور به فروش کالایش می‌کند بدون اینکه قیمت‌گذاری نماید بلکه می‌فرماید به هر قیمتی که می‌خواهی بفروش، ولی آن را حبس و انبار نکن.

شیخ مفید(ره) در کتاب مقنعه، براین اعتقاد است که بر سلطان یا حاکم لازم است که محتکر را مجبور به بیرون آوردن غله و فروش آن در بازار مسلمین کند، البته در صورتی که مردم به آن نیاز داشته باشند، حاکم باید یک قیمت از روی مصلحت تعیین کند و نباید طوری قیمت‌گذاری کند که صاحب آن ضرر کند، به طوری که کمتر از قیمت تمام شده برای صاحب آن نباشد (شیخ مفید(ره)، ۱۴۱۰، ۶۱۴)

نکته‌ای که در این نظریه وجود دارد این است که لازم نیست حاکم حتماً حاکم اسلامی باشد، بلکه هر حاکمی ولو این که پادشاه باشد، لازم است این کار را انجام دهد، و این نشان‌دهنده نقش حاکمان برای تعدیل بازار می‌باشد. البته در تعیین قیمت تا آنجا که ممکن است باید مصلحت صاحب مال رعایت شود و با کارشناسی دقیق انجام پذیرد تا اجحافی بر او نشود.

شیخ طوسی(ره) اعتقاد دارد، که بر امام و نایب آن جایز نیست، در زمانی که قیمت مواد غذایی و غیره، بالا و پایین است دخالت نمایند و تعیین قیمت کنند. (شیخ طوسی، ۱۳۷۸، ج ۲، ۱۹۵).

ابن ادریس می‌فرماید: اگر کالای مواد غذایی را احتکار نمودند بر سلطان و حاکم وقت لازم است افرادی را مأمور نماید تا مردم و یا محتکر را مجبور به فروش کند، اگرچه صاحب کالا از این کار کراهت دارد، برخی از علماء می‌فرمایند در این هنگام تعیین قیمت نیاز نیست. بلکه به آن



مقدار که خداوند روزیش می کند بفروشد، اما بی انصافی نکند، مثلاً ابن جعفر در نهاییه و مبسوط همین نظر را درست می داند و اخبار متواتر از ائمه اطهار(ع) نیز همین را می گویند. از پیامبر اکرم - (ص) روایت شده که مردی نزد او آمد و عرض کرد، بر مواد غذایی قیمت بگذارد؟ حضرت فرمود «بَلْ أَدْعُوا اللَّهَ» یعنی از خداوند بخواهید که قیمت گذاری کند و بعد فرمود «بَلْ اللَّهُ يَرْفَعُ وَيُخْفِضُ» یعنی خداوند باید قیمت ها را بالا و پائین کند. (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۲، ۲۳۸)

با توجه به آنچه آمد براساس نظر شیخ طوسی و ابن ادریس، نباید بر قیمت ها اعتراض کرد، بلکه باید آن را به خداوند واگذار کرد، و حاکم وظیفه دارد فقط محکر را مجبور به فروش نماید و به قیمت کالا کاری ندارد.

ولی چنین به نظر می رسد که این نظریه چندان کامل نیست، زیرا محکر می تواند با قیمت - گذاری بالای کالایش، قدرت خرید را از مردم سلب نماید و به آنان اجحاف شود در آن موقع اجبار حاکم چندان فایده ای ندارد.

محقق حلی (ره) عقیده دارد که برای جنس احتکار شده قیمت گذاری نمی کنند، منتهی نظارت می کنند که به مردم اجحاف نشود. (محقق حلی، ۱۴۰۹، ج ۲، ۲۶۱)

علامه حلی درمختلف می فرماید: شیخان در مورد قیمت گذاری اختلاف دارند. نظر شیخ مفید این است که بر سلطان وقت لازم است هر طور مصلحت می داند قیمت گذاری کند، البته نه طوری که صاحب کالا ضرر نماید. ولی شیخ طوسی (ره) می فرماید: بر حاکم جایز نیست محکر را اجبار به فروش با یک قیمت خاصی کند و همین نظر را ابن البراج و ابن ادریس نیز دارند.

اما نظر علامه حلی (ره) و ابن حمزه (ره) بر عدم قیمت گذاری کالا می باشد، در صورتی که محکر قیمت را شدیداً بالا نبرد. برای اینکه او حاکم بر مالش می باشد، و درحالت عادی، اگر برای او قیمت گذاری شود دیگر بازاری باقی نمی ماند و اکل مال بدون رضایت صاحبش می شود. در این مورد روایتی را علامه حلی (ره) از پیامبر اکرم (ص) روایت کرده که آن حضرت از بین محکترین عبور می کرد و فرمود:

فَأَمْرٌ بِحُكْرَتِهِمْ أَنْ تَخْرُجَ إِلَيَّ بَطُونَ الْأَسْوَاقِ وَحَيْثُ تَنْظُرُ الْإِبْصَارَ إِلَيْهَا، فَيَقِيلُ لِرَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَوْ قَوْمٌ عَلَيْهِمْ، فَغَضِبَ (عليه و آله والسلام) حَتَّى بَأْنَ عِرْقَ الْغَضَبِ فِي وَجْهِهِ فَقَالَ: أَنَا

اقوم علیهم، اِنما اسعر الی الله یرفعه اذا شاء و نحیفه اذا شاء... (علامه حلی، ۱۴۱۲، ج ۵، ۳۸-۴۲)

یعنی پیامبر اکرم (ص) دستور داد تا کالای احتکاری را خارج کنند و در بازار طوری عرضه کنند که همه چشم‌ها آن را ببیند، پس به رسول خدا عرض شد که برای آنها قیمت‌گذاری کند اما حضرت خشمگین شد، بطوری که عرق غضب صورت آن حضرت را گرفت و فرمود: من برای آن قیمت تعیین کنم؟! همانا قیمت با خداوند است، هر وقت که بخواهد آن را بالا و یا پائین می‌آورد.

بنابراین می‌توان در جمع بین نظرات مطرح شده چنین گفت: ابتداء شخص محتکر را بنون تعیین قیمت از سوی حاکم مجبور به فروش کالایش می‌کنند، اما اگر او بخواهد از این حق خود سوء استفاده نماید، در این صورت حاکم اسلامی جهت جلوگیری از اضرار به مردم می‌تواند مداخله نماید و قیمت مناسب را تعیین کند. وانگهی روایاتی که دلالت بر عدم تعیین قیمت دارد، در حالت اطلاق و عدم فرض اجحاف است، اما در صورت اجحاف، حاکم موظف است به خاطر مصلحت عمومی قیمت‌گذاری کند. (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۲، ۴۷۹-۴۸۶)

شهید اول در الدروس می‌فرماید، در ایام کمبود و گرانی بعد از سه روز و در ایام فراوانی بعد از چهل روز حاکم محتکر را مجبور به فروش می‌کند ولی قیمت برای او تعیین نمی‌کند مگر این که او بخواهد به مردم اجحاف کند و چند برابر قیمت بفروشد. چون در این رابطه پیامبر اکرم (ص) فرمود «اِنما السعیر الی الله» یعنی قیمت‌گذاری با خداوند است، اما در ایام فراوانی به طور قطع قیمت‌گذاری بر حاکم حرام است. (شهید اول، ۱۴۱۲، ج ۳، ۱۸۰)

در همین رابطه شهید اول در لمعه می‌فرماید: اگر محتکر در قیمت فروش جنس احتکار شده زیاده‌روی کند، حاکم نرخ آن را مشخص می‌کند. ولی اگر زیاده روی نکند و به قیمت متعارف بفروشد، برای چنین فردی نرخ تعیین نمی‌شود. (۱۴۱۱، ۹۹)

شهید ثانی در شرح آن می‌فرماید: در حالت عدم نیاز مردم، به طور یقین برای او قیمت‌گذاری نمی‌کنند، و قول اقوی این است که در صورت نیاز مردم نیز، برای او قیمت تعیین نمی‌شود بلکه او را امر می‌کند که به مردم اجحاف نکند و قیمت را پایین بیاورد. (شرح لمعه، ۱۴۱۰، ج ۳، ۲۹۹)

شهید ثانی در مسالک قول اظهر در عدم قیمت‌گذاری را پذیرفته است و فرمود: مگر این که محتکر بخواهد در قیمت‌گذاری به مردم اجحاف کند که در این صورت اجبار آن خالی از فایده

نیست، چون محتکر می‌تواند در ازای مالش، مقداری را طلب کند که کسی نتواند آن را بپردازد و یا قیمت‌ها به ضرر مردم باشد، و در صورتی که غرض از اجبار محتکر دفع ضرر از مردم است. (شهید ثانی، ج ۳، ۱۹۳)

محقق نراقی یکی از دلایل اجبار محتکر به فروش و ترک اجحاف در قیمت را، به خاطر امر به معروف و نهی از منکر می‌داند. (محقق نراقی، ج ۱۴، ۵۴)

شیخ انصاری در توضیح این روایت از امیرالمؤمنین (ع) که برای مالک اشتر نوشته:

فامنع من الاحتکار، فان رسول الله (ص) منع منه... فمن قارف حکره بعد نهیک اياه فنکل به

عاقبه فی غیر اسراف. (زهج البلاغه، ج ۳، ۱۰۰) می‌گوید: از ظاهر روایت بدون هیچ اختلافی میان علماء این طور استنباط می‌شود که محتکر را باید مجبور به فروختن کرد و لذا ما اجبار را دلیل بر تحریم گرفته‌ایم زیرا الزام غیر لازم خلاف قاعده است. (مکاسب، ۱۴۱۵، ج ۴، ۳۶۳-۳۷۴)

امام خمینی (ره) در کتاب بیع خود می‌فرماید: اجبار کردن محتکر به فروش کالا اشکالی ندارد، در صورتی که از فروش آن امتناع کند. و نامه حضرت علی (ع) به مالک اشتر نیز همین مطلب را می‌رساند که فرمود: «فمن قارف حکره بعد نهیک اياه فنکل به عاقبه فی غیر اسراف» یعنی هر کس بعد از نهی تو احتکار کرد، او را کیفر ده تا عبرت دیگران شود، اما در کیفر آنان اسراف نکن. این مطلب دلالت دارد بر عقوبت و اجبار محتکری که نمی‌خواهد کالای خود را بفروشد. ولی قیمت‌گذاری در ابتدای کار جایز نیست اما اگر چنانچه در قیمت‌گذاری اجحاف کند، حاکم می‌تواند او را ملزم به پائین آوردن قیمت نماید، و یا آنچه صلاح می‌داند قیمت‌گذاری نماید و این که در روایت رسول الله (ص) آمده که قیمت با خدا است، منظور قیمت متعارف است، نه قیمتی که به واسطه آن به فروشنده یا خریدار اجحاف شود. (البیع، ۱۴۱۰، ج ۳، ۴۰۱-۴۱۷)

بنابراین با توجه به روایات و دیدگاه فقهاء، می‌توان به این نتیجه رسید که در درجه اول حاکم باید محتکر را از این کار نهی کند، ولی اگر خواست به کارش ادامه دهد او را مجبور به فروش می‌کند و اگر در هنگام فروش خواست با قیمت گزاف به مردم اجحاف کند، او را وادار می‌کنند که قیمت‌ها را پایین بیاورد بطوری که مناسب با قیمت متعارف کالای بازار باشد.



مردم و احتکار

نکته مهمی که باید بدان توجه داشت این که اگر حکومت نتواند با محتکرین مبارزه و قیمت‌ها را تعدیل کند و یا این که ارزاق عمومی به خاطر قحطی یا خشکسالی و غیره، در جامعه نایاب شود، وظیفه افرادی که با کار و تلاش مشروع، مقدار زیادی از آن کالا را در اختیار دارند نسبت به برادران مسلمان خود در جامعه چیست؟

در این رابطه روایتی است که امام صادق(ع) در حالی که قیمت غذا در شهر بالا رفته بود فرمود: «کم عندنا من طعام؟» قال: قلت عندنا ما یکفینا أشهراً کثیره، قال اخرجہ و بعہ، قال: قلت له: ولیس بالمدينه طعام، قال: بعہ فمابعتہ قال: اشترع الناس یوماً ییوم. (حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۷، ۴۳۶)

یعنی از ارزاق چه مقدار نزد ما است؟ کار گزارش گفت: آن قدر نزد ما هست که برای ماه‌های زیادی ما را کفایت می‌کند، حضرت فرمود: بیرون بیاور و بفروش. کارگزار گفت: در شهر ارزاقی نیست، حضرت فرمود، بفروش آن را، زمانی که آن را فروختم حضرت فرمود: به همراه مردم به صورت روزانه خرید کن.

این روایت نشان‌دهنده آن است که افراد مؤمن و مسلمان در هنگام سختی، مانند برادر و اعضای یک خانواده هستند که به هم دیگر یاری می‌رسانند و درد جامعه را درد خود می‌دانند. بنابراین مردم جامعه باید در هنگام کمبود مواد غذایی و شدت قیمت‌ها مستحب است کالای مصرفی خود را را بفروشند و به همراه مردم خرید کنند.

از امام صادق(ع) روایت شده که وقتی در مدینه قحطی آمد و مواد غذایی نایاب شد، نزد حضرت گندم‌های زیادی بود، که در اوایل سال خریداری نمودند، حضرت به کارگزاران خود دستور داد که مقدار زیادی از آن را بفروشند و عوض آن جو بخرند و با گندم مخلوط کنند، آنگاه فرمود(فأنا نکره أن نأکل جیداً و يأکل الناس ردیاً) یعنی ما دوست نداریم، غذای خوب بخوریم، حال این که مردم دیگر، غذای نامطلوب بخورند. (محقق اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۸، ۲۷)؛ و این نشان‌دهنده عظمت روحی و فکری آن حضرت است که به فکر محرومین و افراد کم درآمد جامعه می‌باشند.

افزون بر آن چه آمد، خداوند حقوق بندگانش را مقدمه حقوق خود قرار داده است. به این معنا

که اگر کسی حقوق بندگان را مراعات نمود و آنها را ضایع نکرد، حقوق پروردگار را نیز ضایع نخواهد ساخت. بنابراین مبارزه همه جانبه با احتکار از مصادیق بارز حقوق مردم است و بی توجهی نسبت به آن صفتی ناپسند، سبب محرومیت از نعمات الهی، سوء عاقبت، ظلم و ستم به مردم است. (میزان الحکمه، ج ۲، ۴۸۶-۴۸۸)

به همین جهت است که در روایات آمده محتکر ملعون است و جز انسان خطاکار، کسی مرتکب چنین عملی نمی‌شود.

رسول خدا(ص) فرمودند: «لا یحتکر الطعام الا خا طی، الجالب مرزوق و المحتکر ملعون» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۵، ۱۶۵) یعنی: احتکار نمی‌کند مگر انسان خا طی، و کسی جنس را از جایی برای فروش و جلب مشتری جابجا کند صاحب روزهی است و کسی که اجناس را احتکار می‌کند، مورد لعن می‌باشد.

نتیجه:

آنچه که تاکنون گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که احتکار، یعنی حبس و نگهداری کالاهایی که مردم به آنها نیاز ضروری دارند، به ویژه ارزاق و مواد غذایی عمومی که مصرف روزانه مردم است، و این کالاها را آن قدر نگهداری می‌کنند تا در جامعه کمیاب شود و با قیمت بالاتر آن را بفروشند و این عیب بزرگی برای جامعه مخصوصاً جامعه اسلامی است که باید با آن برخورد قانونی شود تا از احتکار دست بردارند، که اکثر علماء و فقهای اسلامی قایل به حرمت آن هستند. در پایان به عنوان نصیحت به محتکران جامعه، آن را باید بدانند اگرچه ممکن است بر اثر غفلت حکومت و دولت مردان، گاهی اوقات توانسته باشند از این طریق به اهداف نامشروع خود برسند، ولی این را باید بدانند که خداوند همواره شاهد و ناظر اعمال بندگانش بوده و او قاسم الجبارین است و در کمینگاه ستمکاران و گنهکاران می‌باشد و در همین دنیا و جهان دیگر به سزای اعمالشان خواهند رسید.



فهرست منابع

۱. قرآن کریم.

۲. سید رضی، ابوالحسن محمد بن حسین، (۱۳۷۹)، **نهج البلاغه**، ترجمه محمد دشتی، قم، انتشارات ائمه.
۳. ابن ادریس حلی، محمد (۱۴۱۰)، **السرائر**، جلد ۲، قم، تحقیق چاپ و نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۴. امام خمینی، روح الله الموسوی (۱۴۱۰)، **البیع**، جلد ۳، قم، چاپ و نشر و دارالکتب العلمیه اسماعیلیان.
۵. حرعاملی، محمد بن حسن بن علی ملقب به حر، (۱۴۱۴)، **وسایل الشیعه الی تحصیلی مسائل الشرعیه**، جلد ۱۷، قم، چاپ و نشر مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۶. عری شهری، محمد محمدی (۱۴۰۵)، **میزان الحکمه**، بیروت، الدار السلامیه.
۷. شهینداول، محمد بن جمال الدین (۱۴۱۱)، **لمعه دمشقیه**، تحقیق علمی پورانی، بی‌جا، نشر: دارالفکر، چاپ قدس.
۸. _____، (۱۴۱۲)، **الدروس الشرعیه**، جلد ۳، قم، مؤسسه النشر الاسلامیه، جامعه مدرسین.
۹. شهید ثانی، زین الدین الجعی العاملی، (۱۴۱۰)، **الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه**، جلد ۳، تحقیق و تعلیق سید محمد کلانتر، قم، انتشارات داروی.
۱۰. _____، (۱۴۱۳)، **مسالك الافهام**، جلد ۳، قم، تحقیق و نشر: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۱۱. شیخ انصاری، مرتضی (۱۴۱۵)، **مکاسب**، جلد ۴، قم، لجنة لتحقيق، باقری.
۱۲. شیخ صدوق، بابویه قمی محمد بن علی بن حسین، (۱۴۱۵)، **المقنع**، قم، تحقیق: لجنة التحقيق التابعه المؤسسة الامام الهادی.
۱۳. شیخ طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۷۸ ق)، **المبسوط فی فقه الامامیه**، تحقیق: محمد تقی الکشفی، چاپ جیلریه طرازان، ناشر: المکتبه المرتضویه.
۱۴. شیخ مفید عکبری بغدادی، (۱۴۱۰)، **مقنعه**، تحقیق جامعه مدرسین، قم، ناشر: مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین
۱۵. علامه حلی، حسن (۱۴۱۲)، **مختلف الشیعه فی احکام الشریعه**، جلد ۵، تحقیق لجنة التحقيق، قم، ناشر: مؤسسه النشر الاسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۳۸۸)، **کافی**، تحقیق علی اکبر غفاری، جلد ۵، تهران، چاپ

حیبری، ناشر: دارالکتب الاسلامیه آخوندی.

۱۷. محقق نراقی، احمد، (۱۴۰۸)، **مستند الشیعه**، مشهد، تحقیق و نشر: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.

۱۸. محقق اردبیلی، احمد، (۱۴۰۳)، **مجمع الفائدة و البرهان**، تحقیق اشتهااردی یزدی عراقی، جلد ۷ و

۸، قم، ناشر: جامعه مدرسین.

۱۹. محقق حلی، جعفر ابن حسن، (۱۴۰۹)، **شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام**، تحقیق

سید صادق شیرازی، جلد ۲، قم، انتشارات استقلال طهران، محل چاپ امیر.

۲۰. نجفی، محمد حسن، (۱۳۶۷)، **جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام**، تحقیق شیخ عباس

قوچانی، جلد ۳۲، تهران، ناشر دارالکتب الاسلامیه آخوندی.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی





مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی